

رسالت خلیفه الهی انسان

خلیفه جایی کرامت دارد که در راستای اوامر مستخلف عنه حرکت کند نه به جای او بنشیند ولی حرف خودش را بزند و کار خودش را بکند.



خلیفه جایی کرامت دارد که در راستای اوامر مستخلف عنه حرکت کند نه به جای او بنشیند ولی حرف خودش را بزند و کار خودش را بکند. اگر برخلاف خلافت کارکرد و حرف خدا را نزند و حرف خودش را زد، نه تنها از خلافت طرفی نمی بندد بلکه از کرامت هم بی بهره است. (1)

رسالت الگوسازی علما

وظیفه اصلی ما (علما) همان دو امر است یعنی جهان را بشناسیم (یک) قدردان را بفهمیم (دو) که خلیفه الله هستیم. باید حرف جهانی بزنیم. ما اگر حرف جهانی می زدیم پیروزی مصریها همان و تشکیل انقلاب اسلامی همان و نظام اسلامی همان دیگر کسی از جایی بلند نمی شد برود مصر بگوید شما نظیر ما مثلاً - خدای ناکرده - یک کشور لائیک درست کنید. اگر ما آن هنر را می داشتیم آن عرضه را می داشتیم دین را دکان قرار نمی دادیم نه بیراهه می رفتیم نه راه کسی را می بستیم، نه بازی می کردیم نه کسی را به بازی می گرفتیم دین را به آن معنا که بود عرضه می کردیم دیگر این طور وضع تونس نبود، این طور وضع یمن نبود، این طور وضع کویت نبود، این طور وضع بحرین نبود. بشر تکیه گاهی می خواهد... ما اگر بفهمانیم خدا هست، قیامت هست، پیغمبر هست، علی و اولاد علی هست کسی دیگر به دنبال این و آن نمی رود. (2)

حق گویی و حق خواهی

یک مسلمان خودساخته

آیت الله شیخ مجتبی تهرانی:

در یک روایت از علی(ع): «اشبه الناس بانبیاء الله تعالی«، شبیه ترین مردم به پیامبران الهی، «اقولهم للحق و اصبرهم علی العمل به« (غیرالحکم: 110)، آن کسانی که از نظر گفتارشان مراقب هستند که از حق تجاوز نکنند و از نظر آنچه را که از ناحیه وحی به آنها وارد شده عقل و نقل صحیح می گوید سزاوار است، درست است، پایش می ایستند و عمل می کنند و تجاوز نمی کنند. در یک روایت دیگر دارد «اقرب العباد الی الله تعالی اقولهم للحق و ان کان علیه« و لو اینکه از نظر مادی به ضررش باشد، اما حق را بگوید و «اعملهم بالحق و ان کان فیه کرهه« (همان: 96) یعنی عمل از نظر نفس نمی خواهد. در روایات داریم حلاوت ایمان، ایمان یک شیرینی دارد. ایمان چیست؟ دلبستگی به خدا، پذیرش عقلی و عمل به نقل. این هم شما آمدید گفتید سنگین و تلخ است. این مال این انسانی است که هنوز ساخته نشده است، چه بسا حق را تشخیص هم بدهد نه اینکه ندهد، اما از نظر نفسانی ابا دارد. چون هم سو نیست با او. اما آن انسان برتر شهوت و غضبش مهار شده در اختیارش است، لذا برای او نه سخت است نه تلخ است. استقبال هم می کند. باطل برای او سخت است و تلخ است. عکس است. (3)

ربا در سیستم بانکی و لزوم اصلاح و بازنگری

آیت الله مظاهری:

اکنون متأسفانه گردش برخی از امور بانکی، به دلیل عدم عمل به احکام و قوانین شرعی، ربوی است و از این جهت مدیران و مسئولان بانک ها و نیز همه متصدیان امور بانکی وظیفه دارند به منظور حفظ صداقت و رعایت امانت داری، دست کم به مصوبات و قوانین موجود به صورت دقیق عمل کنند و معاملات و وام های بانکی را بر یکی از عقود شرعی و اسلامی منطبق نمایند، هرچند همین قوانین نیز باید به دقت و با جدیت و سرعت از سوی دستگاه های مسئول، به شکل صحیح و اسلامی و کارآمد، اصلاح شود تا زمینه هرگونه اقدام ربوی و غیرشرعی در عملیات و امور بانکی سدگردد. (4)

شرط فداکاری ملت برای نظام

از منظر تعالیم دینی، عدم برخورداری از صداقت در گفتار و کردار و نیز خیانت در امانت، بسیار مذموم و ناپسند است، ولی فقدان صداقت و امانت داری و رواج دروغ و خیانت در امانت در عرصه اقتصادی و خصوصاً در امور بانکی، به جهت مفاسد و پیامدهای اجتماعی نامطلوبی که در پی دارد، بیشتر نکوهش شده است... اگر مردم گفتار و کردار مسئولان را همراه با صفا، صداقت و صمیمیت بیابند، اعتمادشان به درستی، جلب خواهد شد و در نتیجه حاضرند از هرچه دارند برای حفظ نظام و انقلاب بگذرند، همچنان که در دوران دفاع مقدس شاهد بودیم که مردم با ایثار، گذشت و فداکاری از اسلام و میهن اسلامی دفاع کردند. (5)

فعالیت سیاسی، امتحان الهی

آیت الله استادی:

امروز فعالیت های سیاسی و شرکت در انتخابات نوعی امتحان است، اگر در مخالفت با یک گروه به کار خلاف بیفتیم و برای طرفداری از یک حزب دروغ بگوییم، موفق و سرافراز نخواهیم شد... هرگز در مسایلی که برای اسلام و نظام اسلامی پیش می آید بی تفاوت نباشیم که بی تفاوتی در مسایل دین حضور در جبهه دشمن است. (6)

عبرت از تاریخ امام حسین(ع)

حجت الاسلام قرائتی:

مرحوم آیت الله «میرزا خلیل کمره ای« در یکی از کتاب های خود نوشته است که افرادی که در کربلا جمع شدند و امام

حسین(ع) را کشتند، کسانی بودند که زمان امیرالمؤمنین استاندار و مسئول مملکتی بودند و چون دسته گل آب دادند، مثل همین ماجرای بانک هایی که الآن هست، جنایتی کردند و غفلت ورزیدند، امیرالمؤمنین آنان را عزل کرد و این افراد در کوفه دفتر سیاسی زدند.

وقتی امام حسین(ع) به کربلا رفت، جمعیت را با هر امکاناتی بود جمع کردند و کربلا فرستادند و لذا به امام حسین(ع) گفتند حسین جان ما با تو مسئله ای نداریم «بغضا لایبک» یعنی کینه پدرت را داریم. چرا پدرت علی، پدرم را از استانداری و وزارت حذف کرد؟ حالا که پدرت، پدر مرا عزل کرد، من انتقام پدرت را از تو می گیرم.

لذا قرآن می فرماید این طور خودتان را تربیت کنید که اگر چیزی به شما دادند، شاد نشوید. نگوید مردم با من هستند. نخر مردم با تو نیستند. یک خرده کج بروی از تو جدا می شوند. مست نشوید اگر دنیا رو به شما کرد. سکنه هم نکنید اگر دنیا از شما روی برگرداند. (7)

سنجش خلوص انسان

حدیث داریم که چرا بهشتی ها همیشه در بهشت می مانند. اگر 05 سال کار کرده، خوب 05 سال بهشت برود. چرا قرآن گفته «خالدین فیها»؟ امام می فرماید چون اینها نیت شان این بود تا زنده باشند کار خیر بکنند و لذا گرچه عمرشان محدود بود اما خدا تا آخر تاریخ به اینها مزد می دهد. چون نیت شان این بود.

شما اگر می خواهی ببینی اخلاص داری یا نه، یک روز سلام ها را کنترل کن. مثلا از صبح تا شب به چند نفر سلام می کنی؟ به 24 نفر. خوب این هفت تا که مدیرکل بودند. او هم که تاجر بود. این هم که آیت الله محله بود. این هم که پدربزرگت بود. اصلا به یک رفتگر شهرداری سلام کردی؟ سال می آید و می رود به یک رفتگر سلام کن. هر روز پشت خانه ما را جارو می کند. نمی دانیم چه کسی است. به یک کارگر گمنام سلام کردیم؟(8)

نهضت علیه ارتجاع مدرن

استاد حسن رحیم پور:

با توجه به دریای عظیم مطالعات اسلام شناسی که مسلمانان ما در حوزه های مختلف پزشکی، فیزیک، فلسفه و نظریات اجتماعی و دینی داشتند، اروپا 600 سال مصرف کننده علوم جهان اسلام بوده است، بنابراین امروز وظیفه ماست که نهضت انتقادی علیه ارتجاع مدرن در عرصه علوم انسانی و اجتماعی راه بیندازیم.

وی با انتقاد از اینکه امروز یک نوع جودگی کلیشه ای در علوم انسانی به شدت حاکم است، عنوان کرد: در سالیانی که اروپایی ها نه تکنولوژی را می شناختند و نه تمدن را، ایرانی ها و مسلمانان برای تشکیل کتابخانه و آزمایشگاه، وقف می کردند و آن را یک امر دینی می دانستند. (9)

1- حوزه، 09/9/01

2- همان

3- حیات، 09/9/61

4- حوزه، 09/9/02

5- همان

6- رسا، 09/9/51

7- ایرنا، 09/9/81

8- همان

9- همان، 09/9/5